دستگیری عاملان حمله به مادر و نوزاد در بندرعباس

رئیس کل دادگستری استان هرمزگان از دستگیری دو نفر از عوامل سرقت خشن از مادر هرمزگانی خبر داد.

علی صالحی اظهار داشت: در پی انتشار تصاویری خشونت بار در فضای مجازی که از وقوع سرقت از مادری به همراه نوزاد شیرخوارش در یکی از خیابان های بندرعباس حکایت می کرد، با صدور دستور ویژه به این موضوع رسیدگی و به سرعت دو تن از سارقین و مهاجمین به این مادر هرمزگانی دستگیر و تحویل مقام قضایی شده اند. پرونده این سرقت خشن در شعبه ویژه ای رسیدگی خواهد شد.

چند روز قبل فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که در آن، دو سارق به زن و نوزادش در بندرعباس حمله می کنند تا بتوانند از او سرقت کنند. پس از انتشار این فیلم، کاربران شبکه های اجتماعی خواستار برخورد شدید دستگاه قضایی با دزدان خشن شدند.

خانواده مرد جوان از مسؤولان کمپ به اتهام قتل شکایت کردند

قربانی ترک اعتیاد زندگی بخشید

مرد جوان پیش از این‌که به خواستگاری دختر مورد علاقه‌اش برود تصمیم گرفت اعتیادش را ترک کند اما زمانی که به کمپ رفت سرنوشت عجیبی پیدا کرد و به قتل رسید. خانواده او در پی مرگ مغزی وی در اقدامی خداپسندانه قلب، دو کلیه و کبد وی را برای زندگی چهار بیمار هدیه کردند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۷ صبح هفدهم تیر امسال یکی از ماموران کلانتری ابوسعید در تماس با کامران رضوانی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران خبر داد مردی ۲۸ ساله که در کمپ ترك اعتیادی در شهر ماهدشت کرج بستری بوده در پی ضرب و جرح در آنجا مرگ مغزی شده و قرار است اعضای بدن وی با رضایت خانواده‌اش در بیمارستان سینای تهران اهدا شود.

بازپرس جنایی بعد از بررسی موضوع، زمانی که پی برد مانعی برای اهدای اعضای بدن جوان مرگ مغزی وجود ندارد اجازه این کار را صادر کرد. بنابراین مرد جوان همان روز در بیمارستان سینای تهران به واحد فراهم آوری اعضای پیوندی منتقل شد و پزشکان قلب، دو کلیه و کبد او را به چهار بیمار پیوند زدند تا این بیماران بعد از سال‌ها درد و رنج به زندگی لبخند بزنند.

ترک اعتیاد برای ازدواج

برادر محسن، جوان ۲۸ ساله اهداکننده اعضا در این باره به جام جم گفت: محسن آخرین فرزند خانواده‌مان و خیاط بود. برادرم مدتی بود که هروئین مصرف می‌کرد. اما زمانی که به دختری علاقه‌مند شد، تصمیم گرفت که اعتیادش را ترك کند. موضوع را با من و دیگر اعضای خانواده در میان گذاشت و قرار شد که در یکی از کمپ‌های ماهدشت کرج بستری شود.

وی افزود: برادرم روز هشتم تیر امسال در کمپ بستری شد. پیگیر وضعیت حال او بودیم تا بهبودی اش را به‌دست آورد. او امید داشت زودتر اعتیادش را ترك و با دختر مورد علاقه‌اش ازدواج کند. ساعات پایانی شامگاه سیزدهم تیر امسال و در ششمین روزی که برادرم در آن کمپ ترك اعتیاد بستری بود، یکی از مسؤولان آنجا تلفنی با مادرم تماس گرفت و خبر داد که حال محسن بد شده و باید برای پیگیری وضعیتش خودمان را به بیمارستان شریعتی ماهدشت برسانیم.

برادر اهداکننده اعضا ادامه داد: مادرم شوکه شده بود و گریه می‌کرد، موضوع را به من و بقیه اعضای خانواده خبر داد و همگی به آن بیمارستان رفتیم. یکی از مسؤولان کمپ آنجا بود و به ما گفت برادرم حالش بد بوده و موقع راه رفتن در سالن به زمین افتاده و آسیب دیده و برای درمان، او را به بیمارستان آورده‌اند. پس از ورود به اتاق برادرم، با صحنه عجیبی روبه‌رو شدیم، آثار ضرب و جرح بسیاری روی بدن و صورتش بود. روی پیشانی و دستانش آثار ضرب و جرح و کبودی بود. انگار افرادی دستانش را گرفته و کتکش زده‌اند و ضربه‌هایی به سرش اصابت کرده بود.

وی افزود: وقتی موضوع را از پزشکان معالج وی پرس‌وجو کردیم، آنها نیز گفتند احتمالا در کمپ بلایی سر او آمده است. همان موقع با توجه به حادثه رخ داده برای برادرم و اظهارات ضد و نقیض مسؤولان کمپ که می‌خواستند ماجرای رخ داده را یك حادثه جلوه دهند، موضوع را به پلیس خبر دادیم و پرونده‌ای در این‌باره در دادسرای کرج تشکیل شد. چهار شبانه‌روز برادرم در بیمارستان شریعتی ماهدشت بستری بود.

پزشکان همه تلاش خود را انجام دادند اما محسن به هوش نیامد و سرانجام پزشکان به ما گفتند او مرگ مغزی شده و دیگر امیدی به بازگشت محسن نیست. با شنیدن این حرف خیلی ناراحت شدیم و امیدمان رنگ باخت. مادرم و دیگر اعضای خانواده باورشان نمی‌شد که محسن برای همیشه ما را ترك کرده است. آنجا بود که پزشکان بیمارستان به ما گفتندکه می‌توانیم اعضای بدن او را به بیماران اهدا کنیم. خانواده‌ام و به‌ویژه مادرم زمانی که این گفته‌ها را شنیدند، تصمیم گرفتند برای شادی روح برادرمان، اعضای بدن او را اهدا کنیم تا شاید خانواده بیمار دیگری مثل ما داغ جوان نبینند و زندگی را به آنها هدیه دهیم.

برادر اهداکننده اعضا ادامه داد: خانواده‌ام برگه‌های رضایتنامه برای اهدای اعضا را امضا زدند تا با اهدای اعضای بدن محسن، محسن‌های دیگر زنده بمانند. پیکر برادرم ۱۷تیر امسال به واحد فراهم‌آوری پیوند اعضای بیمارستان سینای تهران منتقل شد و همان روز قلب، دو کلیه و کبد او برای رضای خداوند و شادی روح برادرم محسن به چهار بیمار پیوند زده و اهدا شد.

وی در پایان گفت: از مسؤولان کمپ به اتهام قتل عمد شکایت کرده‌ایم و تحقیقات درباره علت حادثه ادامه دارد.

> پسر جوان وقتی برای ترک اعتیاد به کمپ می رفت نمی‌دانست جانش را از دست می‌دهد

جنایت هولناك پسر سلاخ

پسر افغان که همکار ایرانی خود را به طرز هولناکی به قتل رسانده است، در جلسه محاکمه مدعی شد مقتول مهدورالدم بوده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، بامداد هشتم خرداد ۹۵ سر بریده یك مرد در کانال آبی در رباط کریم پیدا شد و پلیس را برای رازگشایی جنایت فجیع به تکاپو انداخت. پلیس به بررسی پرداخت و در فاصله ۲۰۰ متری ازمحل پیدا شدن سر بریده با یك پراید سفید روبه رو شد که جسد بدون سر یك مرد در آن قرار داشت. جسد برای شناسایی هویت به پزشکی قانونی منتقل و با آزمایش‌های تکمیلی مشخص شد جسد متعلق به مرد ۲۷ ساله‌ای به نام مصطفی است که از مدتی پیش در یك کشتارگاه در رباط کریم مشغول به کار بوده است.

پلیس در نخستین گام از تحقیقات به بازجویی از همکاران مصطفی پرداخت و دریافت این مرد ۲۸ ساله با تعدادی از کارگران افغانی نوجوان در ارتباط بوده است. به این ترتیب چندین مظنون بازداشت شدند. دو ماه از جنایت تکان‌دهنده گذشته بود که یکی از کارگران کشتارگاه به نام عزیز ۱۷ ساله لب به اعتراف گشود و پرده از جنایت وحشتناك برداشت. وی در بازجویی‌ها انگیزه جنایت را رهایی از سلطه گری‌های مرد آزارگر اعلام کرد و به بازسازی صحنه جرم پرداخت.

عزیز در شعبه پنجم دادگاه کیفری یك استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در آن جلسه پدر و مادر قربانی برای متهم نوجوان حکم قصاص خواستند. خواهر قربانی گفت: این پسر نوجوان همیشه چاقو همراه داشته است. این موضوع را دوستانش نیز تایید می‌کنند. او به خاطر اختلاف مالی با برادرم دست به این قتل زده و حالا با دروغگویی قصد گمراه کردن پلیس را دارد. به همین خاطر باید قصاص شود. سپس عزیز به دفاع پرداخت و گفت: من و مصطفی با هم همکار بودیم. او یك روز مرا آزار داد و از من فیلم گرفت. او تهدیدم می‌کرد اگر به خواسته اش تن ندهم فیلمم را پخش می‌کند. من از این وضعیت خسته شده بودم و می‌دانستم مصطفی مستحق مرگ است و باید کشته شود. به همین خاطر آخرین بار وقتی سوار ماشینش شدم او را کشتم و با کارد سلاخی سرش را بردیم و به کانال آب انداختم.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و عزیز را به قصاص محکوم کردند، اما این حکم در دیوان عالی کشور تایید نشد. قضات دیوان عالی کشور اعلام کردند عزیز به خاطر اعتقاد به مهدورالدم بودن قربانی، وی را کشته و از این رو لازم است این موضوع بار دیگر بررسی و وی بار دیگر از خود دفاع کند.

به این ترتیب عزیز دیروز در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران از خود دفاع کرد. در ابتدای جلسه بار دیگر اولیای‌دم برای وی حکم قصاص خواستند. سپس وی به تشریح جزئیات ماجرا پرداخت و گفت: پدرم بیمار بود و وضع مالی خوبی نداشتیم. چون پدر و مادرم افغان هستند با آن‌که در ایران به دنیا آمدم اما نتوانستند برایم شناسنامه بگیرند. من به ناچار درسم را رها کردم و در کشتارگاه مشغول به کار شدم. مصطفی یك روز به بهانه‌ای مرا سوار ماشینش کرد تا با هم به تفریح برویم اما آبمیوه مسموم به من خوراند که بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم متوجه شدم او مرا آزار داده است. مصطفی تهدید کرده بود اگر در این باره با کسی حرفی بزنم فیلم سیاهی را که از من گرفته پخش می‌کند و آبرویم را می‌برد. به همین خاطر همیشه از مصطفی می‌ترسیدم. چند بار از او خواستم فیلم را به من برگرداند اما قبول نکرد.

وی در تشریح جزئیات جنایت گفت: آخرین بار با او قرار گذاشتم تا فیلم را از او پس بگیرم. مصطفی با ماشین پراید دنبالم آمد و من روی صندلی عقب ماشین نشستم اما در ماشین بار دیگر پیشنهاد بی شرمانه‌اش را مطرح کرد که با او درگیر شدم. من از ترسم چاقو همراه داشتم که یك ضربه به گردن او زدم. من که ترسیده بودم با چاقوی سلاخی سرش را از بدنش جدا کردم و آن را داخل کانال آب انداختم. من تلاش کردم گوشی تلفن همراه را که با آن از من فیلم گرفته بود پیدا کنم اما فیلم را به دست نیاوردم.

وی که سرش را پایین انداخته بود گفت: مصطفی مهدورالدم و مستحق مرگ بود.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

کشف تکه‌های جسد زنی در میان زباله‌ها

همزمان با کشف جسد تکه‌تکه شده زنی در میان زباله‌ها در محله تهرانسر، کارآگاهان جنایی پلیس پایتخت تحقیقات برای رازگشایی از این جنایت را آغاز کردند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۲ بامداد دوشنبه ۱۷تیر امسال کارگران شهرداری هنگام نظافت در محوطه فضای سبز یکی از محله‌های تهرانسر متوجه نایلون‌های زباله در آن حوالی شدند. آنها برای جمع‌آوری زباله‌ها رفتند که متوجه بوی نامطبوعی از داخل کیسه‌ها شدند. زمانی که در نایلون‌های زباله را باز کردند با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند. داخل نایلون‌ها جسد مثله شده زنی قرار داشت. کارگران شهرداری با کشف جسد مثله شده زن ناشناس موضوع را تلفنی به پلیس گزارش دادند. در این مرحله ماموران کلانتری تهرانسر با حضور در آنجا و بررسی و تایید ماجرای کشف جسد مثله شده، موضوع را به کامران رضوانی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش کردند. با دستور بازپرس جنایی، تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات در محل کشف جسد حاضر شدند. بررسی‌های اولیه تیم تحقیق نشان داد که او در مکان دیگری به قتل رسیده و عامل یا عاملان جنایت برای این‌که ردی از خود برجای نگذارند جسد را مثله کرده‌اند. به نظر می‌رسید آن زن که حدود ۴۵ ساله بود قربانی انتقامگیری شده باشد. ساعت‌ها از مرگ او گذشته بود و مدارکی نیز همراه وی نبود که پلیس هویت او را شناسایی کند. پس از هماهنگی قضایی جسد زن میانسال به پزشکی قانونی منتقل و پرونده‌ای در این باره در شعبه هشتم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شد. در این مرحله قرار شد که ماموران پرونده‌های زنان گمشده را که در پلیس آگاهی تهران ثبت شده بررسی کنند تا شاید ردی از هویت مقتول شناسایی شود. این در حالی است که پلیس جست‌وجو برای دستگیری عامل یا عاملان این جنایت را آغاز کرده است.

دفاعیات عجیب متهمان در جلسه محاکمه؛

آدم ربایی به دستور ابربدهکار بانکی

سه مرد جوان دیروز در حالی به اتهام آدم‌ربایی محاکمه شدند که ادعا کردند از سوی ابربدهکار بانکی معروف اجیر شده بودند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از اوایل سال ۹۵ به دنبال شکایت مرد ثروتمندی به نام رضا در دستور کار پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. وی به ماموران گفت: دیروز سه مرد که خودشان را مامور پلیس معرفی کرده بودند پسر ۱۸ ساله‌اش به نام سینا را ربوده و پس از ساعت‌ها شکنجه، رها کرده‌اند.

وی توضیح داد: وقتی سینا قصد داشت با ماشین مدل بالای من از خانه بیرون برود، سه مرد جوان که خودشان را مامور پلیس معرفی کرده بودند مقابل پارکینگ راهش را بستند و با تهدید سلاح او را ربودند. آنها پس از کتك زدن و شکنجه پسرم، او را رها کرده و رفتند. به‌دنبال شکایت این مرد، پلیس به ردیابی پرداخت و با توجه به اختلاف حساب‌های مرد پولدار با یکی از دوستانش، وی را به‌عنوان مظنون شناسایی کردند. در بررسی‌ها روشن شد این مرد، یك ابربدهکار بانکی و در زندان است. در حالی که فرضیه اجیر کردن ماموران قلابی از سوی متهم اقتصادی قوت گرفته بود، پلیس رد سه مرد جوان را یافت و آنها را بازداشت کرد. آنها دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی قربان‌زاده و با حضور یك مستشار پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای این جلسه پسر جوان به تشریح جزئیات ماجرا پرداخت و گفت: روزی سوار بر ماشین مدل بالای پدرم شده بودم تا به گردش بروم اما سه مرد جوان جلوی راهم را گرفتند. آنها که خودشان را مأمور معرفی کرده بودند با تهدید سلاح سوار ماشین شدند و مرا به منطقه‌ای خلوت در حاشیه شهر بردند. آنها به‌شدت مرا کتك زده و شکنجه کردند. آنجا بود که فهمیدم آنها اشتباهی مرا به جای پدرم گرفته‌اند و می‌خواهند چك دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی ابربدهکار بانکی که در دست پدرم بود را پس بگیرند. آنها بعد از چند ساعت شکنجه مرا رها کردند. من از آنها شکایت دارم.

سپس سه متهم که همگی با قرار وثیقه آزاد بودند به دفاع پرداختند. یکی از آنها گفت: ما از قبل بدهکار بانکی را که حالا در زندان است، می‌شناختیم. او حامی مالی تیم‌های ورزشی و مرد شناخته‌شده‌ای بود. او گفته بود باید چك دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی را که در دست مصطفی دارد پس بگیریم و در عوض درصدی از آن پول را به ما بدهد. او مشخصات خودروی مصطفی را به ما داد و ما از روی شماره پلاك ماشین، آدرس خانه مصطفی را پیدا کردیم و مقابل خانه مرد پولدار رفتیم. ما وقتی دیدیم یك نفر سوار ماشین مدل بالا از پارکینگ خارج شد، سراغ او رفتیم و خودمان را مامور معرفی کردیم. اما بعد از این‌که سوار ماشین شدیم متوجه شدیم پسر جوان را به جای پدرش گرفته‌ایم. ما آدم‌ربایی را قبول نداریم چون به پسر جوان آسیبی نزدیم و پس از چند ساعت او را رها کردیم.

دو متهم دیگر نیز منکر آدم‌ربایی شدند و گفتند به اشتباه و به جای پدرش، پسر جوان را به دام انداخته بودند.

در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

> بدهکار بانکی درحالی در دادگاه انقلاب محاکمه می‌شود که متهمان یک پرونده آدم‌ربایی مدعی شدند به دستور مرد بدهکار پسر جوان را ربوده اند

مصدومیت ۱۱۵ نفر در زلزله مسجد سلیمان

آخرین آمارهای اورژانس نشان می‌دهد در پی زلزله ۵/۷ ریشتری مسجدسلیمان، ۱۱۵ نفر مصدوم شده‌اند.

دکتر محمدامین زرگر، رئیس مرکز اورژانس و فوریت‌های پزشکی خوزستان به ایسنا گفت: پیش از ظهر دوشنبه زلزله ۵/۷ ریشتری مسجدسلیمان را لرزاند. همزمان با وقوع این حادثه امدادگران اورژانس در محل حاضر شدند و به امدادرسانی پرداختندکه تا یك روز بعد از حادثه علاوه بر یك نفری که کشته شد، ۱۱۵ نفر مصدوم شدند که برخی سرپایی درمان و برخی در بیمارستان بستری شدند.

تلنگر

آدم‌ربایی ساختگی به‌خاطر عشق پنهانی

دختر دانشجو که به دیدن دوست اینترنتی‌اش رفته بود، برای فاش نشدن موضوع، سناریوی آدم‌ربای ساختگی را طراحی کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، روزهای پایانی هفته گذشته مردی با حضور در دادسرای جنایی تهران شکایتی مطرح کرد مبنی بر این‌که دختر ۲۲ ساله دانشجویش خانه را برای رفتن به دانشگاه ترك کرده و ناپدید شده و گوشی تلفن همراهش نیز خاموش است.

سه روز بعد ازاین شکایت، شاکی همراه دختر جوانش با حضور در پلیس آگاهی اعلام کرد که او ربوده شده است. دختر جوان به افسرتحقیق گفت: آن روز برای رفتن به دانشگاه سوار خودروی پژو مسافربر شدم که در میانه راه تغییر مسیر داد. هر چه فریاد زدم رهایم نکرد. او چاقو داشت و مدام مرا به مرگ تهدید می‌کرد. بعد از طی مسافتی مقابل خانه باغی در اطراف تهران توقف کرد و مرا کشان‌کشان به ساختمان برد. تلفن همراهم را خاموش کرد و طلا و پول‌هایم را گرفت.

وی افزود: آب و غذای کمی به من می‌داد و شکنجه‌ام داد، کتکم زد و بعد با چاقو ضربه‌هایی به پایم زد تا ساکت شوم. از شدت جراحات بیهوش شدم و زمانی که به هوش آمدم او رفته بود. قفل در را شکستم و فرار کردم. در جاده به راه افتادم که راننده‌ای همراه خانواده‌اش در خیابان مرا یافتند و به مرکز درمانی بردند که نجات یافتم و بعد با خانواده‌ام تماس گرفتم و به خانه بازگشتم.

تحقیقات برای یافتن مرد آدم‌ربا ادامه داشت تا این‌که کارشناسان پزشکی قانونی نظر دادند که ضربه‌های چاقو که به پای دختر جوان اصابت کرده، خودزنی است. در ادامه ماموران متوجه شدند که دختر دانشجو در کانال تلگرامی با مرد ۴۵ ساله‌ای دوست شده و آخرین بار با او ملاقات داشته است. آن مرد تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و چند روز پیش بازداشت شد. وی به افسر تحقیق گفت: من و دختر دانشجو چند ماه پیش در کانال تلگرامی دوست شده و چند بار به کافی‌شاپ رفتیم. آن روز با هم برای تفریح به خانه باغ ویلایی‌ام در اطراف تهران رفتیم. وقتی فهمید که متاهلم و فرزند دارم، به‌شدت ناراحت شد. به‌خاطر این‌که شب شده بود، می‌ترسید اگر به خانه بازگردد از سوی خانواده‌اش بازخواست شود. از من خواست کتکش بزنم و خودش با چاقو پایش را زخمی کرد تا موقع بازگشت به خانه وانمود کند که ربوده و شکنجه شده تا از سوی خانواده‌اش بازخواست نشود. اموالش را سرقت نکردم و آدم‌ربایی ساختگی است.

در ادامه تحقیقات، دختر دانشجو دوباره بازجویی شد و با اعتراف به آدم‌ربایی ساختگی به افسر تحقیق گفت: از ترس این‌که پدر و مادرم مرا دعوا کنند، آدم‌ربایی ساختگی را مطرح کردم.

تحقیقات تکمیلی در این پرونده در پلیس آگاهی ادامه دارد.

انفجار مرگبار صندلی سراتو

انفجار صندلی خودروی سراتو در شهرگرگان یك کشته و یك مصدوم برجای گذاشت.

به گزارش فارس، ساعت ۲۲ شامگاه دوشنبه هفدهم تیر امسال در ابتدای خیابان گلشهر دوم در شهر گرگان صدای انفجار از داخل یك خودروی سراتو با چند سرنشین سکوت محل را در هم شکست. مردم به خیابان آمدند و مشاهده کردند خودرو، پس از طی مسیر کوتاهی ابتدای گلشهر چهارم آتش گرفت. نیروهای امدادی و آتش‌نشانی در محل حاضر شدند و با خاموش کردن شعله‌های آتش راننده و دیگر سرنشین آن را که دچار سوختگی و جراحات شده بودند از خودرو خارج کردند و آنها به بیمارستان پنجم آذر گرگان منتقل شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد سعید راننده ۳۴ ساله صاحب مغازه طلافروشی در خیابان امام خمینی (ره) گرگان بوده که به دلیل شدت سوختگی فوت کرد و پدرش محمدرضا در بیمارستان بستری است. در تحقیق از مصدوم حادثه معلوم شد، شروع حادثه بر اثر انفجار و حریق زیر صندلی مرد طلافروش بود.